



چرا آنکعبه

در حجاز؟

فلسفه کعبه

و قرار گرفتن آن در

سرزمین حجاز

و سفر به مکه چیست؟

حضرت امام علی

علیه السلام

در خطبه قاصعه

پاسخ می دهد

خطبه ۱۹۲

ابن ابی الحدید
شّارح نامی نهج البلاغه
در مورد خطبه قاصعه
می گوید

سوگند که در طول ۵۰ سال

بیش از هزار بار

این خطبه را

خوانده‌ام

و هر گاه خواندم

قلبم تپید، اعضای بدنم

لرزید و ترس و لرزش

وجودم را فراگرفت

و از آن پند گرفتم

واعظان و فصیحان

از این گونه سخنان بسیار گفته‌اند

و من بر این سخنان

فراوان دست یافته‌ام

اما هرگز تأثیر کلام امام

را بر دل من نداشته‌اند

حضرت امام علی علیه السلام

در خطبه قاصعه

در باره فلسفه قرار گرفتن

کعبه در سرزمین حجاز

و فلسفه سفر به آن

می فرماید:

أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ

مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ

آیا نمی بینید که خداوند سبحان انسان های را پیشین از آدم تا آیندگان

بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّهُ وَلَا تَنْفَعُ

وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ

با سنگ هایی در مکه آزمایش کرد که نه زیان می رسانند

و نه نفعی دارند نه می بینند و نه می شنوند

فَجَعَلَهَا

بَيْتَهُ الْحَرَامَ

الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا

این سنگ ها را خانه محترم خود قرار داده و آن را
عامل پایداری و استواری مردم گردانید

ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرِ بِقَاعِ الْأَرْضِ حَجَرًا

سپس کعبه را در سنگلاخ‌ترین مکان‌ها

وَ أَقْلٍ نَتَائِقِ الدُّنْيَا مَدْرًا

بی گیاه‌ترین زمین‌ها

وَ أَضْيَقِ بَطُونِ الْأُودِيَةِ قَطْرًا

و کم فاصله‌ترین دره‌ها

بَيْنَ جِبَالٍ خَشِينَةٍ وَ رِمَالٍ دَمِيئَةٍ

در میان کوه‌های خشن و سنگریزه‌های فراوان

وَ عُيُونٍ وَثِيلَةٍ وَ قُرَى مُنْقَطِعَةٍ

و چشمه‌های کم‌آب و آبادی‌های از هم دور

لَا يَزُكُو بِهَا خُفٌّ^{۲۶} وَ لَا حَافِرٌ^{۲۶} وَ لَا ظِلْفٌ^{۲۶}

که نه شتر، نه اسب و نه گاو و نه گوسفند هیچ کدام

در آن سرزمین رشد نمی‌کند؛ قرار داد

وَ لَوْ أَرَادَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَضَعَ بَيْتَهُ
الْحُرَامَ وَ مَشَاعِرَهُ الْعِظَامَ

اگر خداوند خانه محترم خود و مشاعر عظام را

بَيْنَ جَنَاتٍ وَ أَكْهَارٍ وَ سَهْلٍ وَ قَرَارٍ
میان باغها و نهرها و زمینهای سرسبز و هموار
جَمِّ الْأَشْجَارِ دَائِي الثَّمَارِ مُلْتَفِّ الْبُنَى
در میان انبوه درختان و میوههای فراوان

مُتَّصِلَ الْقُرَى بَيْنَ بُرَّةِ سَمَرَاءَ وَ رَوْضَةِ خَضْرَاءَ

و مناطقی آباد و کاخ‌های بسیار و آبادی‌های به هم پیوسته

وَ أَرْيَافٍ مُّحْدِقَةٍ وَ عِرَاصٍ مُّغْدِقَةٍ

در میان گندم زارها و باغات خرم و پر از گل و گیاه و دارای
مناظری زیبا و پر آب

وَ رِيَاضٍ نَّاضِرَةٍ وَ طُرُقٍ عَامِرَةٍ

و در وسط باغستان‌های سرسبز و جاده‌های آباد؛ قرار می‌داد

لَكَانَ قَدْ صَغُرَ قَدْرُ الْجَزَاءِ
عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ

به همان اندازه که آزمایش ساده
می بود پاداش نیز کم ارزش می شد

چرا کعبه از

سنگ عادی

است؟

وَ لَوْ كَانَ الْإِسْأَسُ الْمَحْمُولُ

عَلَيْهَا وَ الْأَخْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا

اگر پایه‌ها و بنیان کعبه و سنگ‌های آن

بَيْنَ زُمْرُدَةٍ خَضْرَاءَ وَ يَاقُوتَةٍ

حَمْرَاءَ وَ نُورٍ وَ ضِيَاءٍ

از زمرد سبز، و یاقوت سرخ و دارای نور و روشنایی بود

خَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشُّكِّ فِي الصُّدُورِ

دل‌ها دیرتر به شک و تردید می‌افتاد

وَ لَوْضَعَ مُجَاهِدَةً إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ

و تلاش شیطان بر قلب‌ها کمتر اثر می‌گذاشت

وَ لَنَفَى مُعْتَلَجَ الرَّيْبِ مِنَ النَّاسِ

و وسوسه‌های پنهانی او در مردم کمتر کارگر می‌شد

وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتِبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ

در حالی که خداوند بندگان خود را با

انواع سختی‌ها می‌آزماید

وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ

و با مجاهدت بسیار آنان را به تعبد می‌خواند

وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ

و به اقسام گرفتاری‌ها مبتلا می‌سازد

إِخْرَاجًا لِلتَّكْبُرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ

تا کبر و خود پسندی را از دل‌هایشان بزداید

وَ إِسْكَانًا لِلتَّذَلُّلِ فِي نُفُوسِهِمْ

و به جای آن فروتنی بنشانند

وَ لِيَجْعَلَ ذَٰلِكَ أَثْوَابًا فَتُحَا إِلَىٰ فَضْلِهِ

و درهای فضل و رحمتش را به روی شان

بگشاید

وَ أَسْبَابًا ذُلًّا لِّعَفْوِهِ

و وسائل عفو و بخشش را به آسانی در

اختیارشان بگذارد